



افرادی که در ابتدای آموزشی به مرخصی نمی‌روند و در پادگان می‌مانند باقیمانده گفته می‌شود). قوانین زدن موی سر اواخر فیلمبرداری تغییر کرد و قانون آن در رسانه‌ها اعلام شد. یا به طور مثال سالن آسایشگاهی که دارای فضای سبز است کار گروهی از سربازانی بود که در آن آسایشگاه اقامت دارند و یا سربازان دوران آموزشی برای کلاس‌های خود صندلی تاشو دارند. مثلا می‌دیدیم که سربازان می‌توانند از بوفه برای خود غذا بخرند و یا فرصت مهارت آموزی در کارگاه‌های داخل پادگان‌ها وجود داشت و هر کارگاه غیر از فعالیت‌های کاری، به آموزش هم می‌پرداخت و این‌ها تماما چیزهایی بود که ما دیدیم. حالا ممکن است یکی بگوید ما واقعیت‌های دیگری را هم دیده‌ایم که حتما راست هم می‌گویند و شاید توقع داشته باشند که فیلم‌ها آن واقعیت‌ها را نشان دهند که بحث توقع یک بحث مهم است و می‌شود جدا روی آن بحث و گفت‌وگو کرد.

چون این اولین گفت‌وگوی جدی شما راجع به «سرباز» است، ما دوست داریم راجع به روند انتخاب بازیگران هم از شما پرسیم. شاید به نوعی بتوان گفت که در این سریال راجع به یکی از شخصیت‌های اصلی آشنایی زدایی اتفاق افتاده و آن هم انتخاب الیکا عبدالرزاقی بوده و شما از بازیگری که بیشتر به کمدی شناخته شده و کمدین خوبی هم هست، به عنوان یک بازیگر کاملا جدی در سریال استفاده کرده‌اید و المان‌های ظاهری این آدم را از او گرفته‌اید. چرا به سراغ فرد دیگری نرفتید که لازم نباشد تصویری را که قبلا از او در ذهن مخاطب بوده بشکنید و به یک تصور دیگری برسید.

الیکا عبدالرزاقی بازیگر بسیار ارزنده، باذوق و همکار بسیار خوبی است و حقیقتا فقط یک کمدین نیست. حتی نوع کارهای طنزی هم که بازی کرده طنزهای سطح بالا و کارهایی بوده که اصلا و ابدا نسبتی با لودگی ندارد، یعنی طنزی که کار جدی محسوب می‌شود. صحبت شما درباره بازیگرانی که طنزهای ابتدایی و لودگی شدید در آن‌ها وجود دارد صادق است. یعنی بازیگری که ناچار به حضور در یک چنین کارهای خنده‌ساز می‌شود، در ذهن تماشاچی تبدیل به بازیگری می‌شود که ورودش به کار جدی همراه با اما و اگر است اما در ذهن مخاطبان بازیگرانی که در کارهای طنز سطح بالاتر حضور دارند بیشتر یک هنرمند بازیگر هستند تا صرفا یک کمدین و از قضا تماشاچی در مورد این دست از بازیگران همیشه منتظر نمایشی آنها در نقش‌های جدی است تا مهارت و هنر

یک نتیجه روانشناسانه بیرون آید؟ یک نکته خیلی درست در سخن شما بود؛ جزئیات فقط اشیا نیست، در وضعیت سفید هم جزئیات فقط اشیا نبود. جزئیات یعنی چیزهای کوچکی که کنار هم یک قطعه کلی و بزرگ را می‌سازند. مثلا اگر یک شخصیت را یک کل در نظر بگیریم، جزئیات شامل زوایای گوناگون و متعدد آن شخصیت می‌شود. معنای جزئیات فقط چیزهای خیلی کوچک و یا خرده‌ریز نیست. جزئیات اصلا یعنی عناصر تشکیل دهنده هر چیز؛ حالا وقتی کلیت کار سوبیه روانشناختی دارد طبعاً جزئیات هم از همان جنس قرار داده می‌شود.

شکل روایت «سرباز» با شکل روایت کارهای شما از یک جهاتی متفاوت تر است. چرا برای انتخاب راوی تعمد داشتید؟ خیلی‌ها می‌گویند که راوی یک جاهایی کار را سرد کرده و از تک و تا انداخته و بعضی‌ها هم بدشان نیامده اما میزان آدم‌هایی که نسبت به این اتفاق نقد دارند (با توجه به رجوع به کامنت‌هایی که راجع به سریال در فضای مجازی وجود دارد و نقدهایی که نوشته شده) بیشتر بوده و خیلی راضی نبوده‌اند. آیا کماکان اگر زمان به عقب برمی‌گشت باز هم از راوی استفاده می‌کردید؟ و اصلا فکر استفاده از راوی از کجا کلید خورد و چرا؟ «سرباز» یک سریال با رویکرد شناخت

آنها در عرصه کار غیرطنز را هم ببینند. برای ما مهم بود که بازیگرمان بازیگر خوبی باشد، از میزان شهرت و اعتبار کافی برخوردار باشد و دیگر اینکه حتما همکار خوبی باشد و شرایط و مختصات کار گروهی را درک کند. عبدالرزاقی از این لحاظ واقعا نمونه و مثال زدنی است و از همکاری با ایشان خوشحال هستم.

نمایش جزئیات از ریزه‌کاری‌های کار شماست و در کارنامه شما بسیار دیده شده‌است. مخاطبان که حالا دیگر اسمم و شکل کاری شما را می‌شناسند می‌دانند که جزئیات و نشان دادن پستوهایی که به ذهن آدم‌ها نمی‌رسد، از ویژگی کارهای هادی مقدم دوست است. این توجه به جزئیات که شاید در کارهای قبلی شما بیشتر در اکسسوار و در یک سری جزئیات دیگری دیده می‌شد و به طور مثال در «وضعیت سفید» به شکل دیگری بود، اینجا به یک شکل دیگری نمود پیدا کرده‌است. شما جزئیات را خیلی با مقوله روانشناسی پیوند زده‌اید و حتی در پشت ساده‌ترین دیالوگ‌ها هم انگار یک فکر روانشناسی مشهود است و روانشناسی ارتباطات، هوش رابطه عاطفی و هوش رابطه اجتماعی در آن دیده می‌شود. چقدر در روند فیلمنامه نویسی به این جزئیات دقیق فکر کرده‌اید تا از آن



اگر یک شخصیت را یک کل در نظر بگیریم، جزئیات شامل زوایای گوناگون و متعدد آن شخصیت می‌شود. معنای جزئیات فقط چیزهای خیلی کوچک و یا خرده‌ریز نیست. جزئیات اصلا یعنی عناصر تشکیل دهنده هر چیز؛ حالا وقتی کلیت کار سوبیه روانشناختی دارد طبعاً جزئیات هم از همان جنس قرار داده می‌شود.